



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۱۹۰

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ - ۲۷ بهمن ۱۳۸۹

اعتراض دهها هزار تن در شهرهای مختلف ایران



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

اعتراضات ضد حکومتی در ایران

ایران، مصر، ترکیه و پاکستان از مهمترین کشورهای منطقه هستند که تحولات سیاسی در آنها بسیار تعیین کننده است. در ایران رژیم اسلامی، بویژه بدنبال اعتراضات توده ای سال ۸۸، صرفا به زور سرنیزه و حکومت نظامی سرپا مانده است. عوامل متعددی در فروکش کردن اعتراضات سال ۸۸ از جمله سرکوب خونین حکومت، محدود ماندن اعتراضات به تهران، وجود یک طیف اپوزیسیون درباری و بیرون حکومتی که منافع خود را در بقای حکومت اسلامی جستجو



لیلی هم به لرزه درآمد 2011 سال فراموش نشدنی!

صفحه ۵

آذر ماجدی



گفتگو با علی جوادی پیرامون دور جدید اعتراضات توده ای در ایران

صفحه ۷

مبارک رفت! کل رژیم باید برود!

هیچ قدرتی بجز قدرت برخاسته از قیام مشروعیت ندارد!

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

زنده باد شوراها

منصور فرزاد درگذشت!



بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون
وضعیت دستمزد کارگران

این وضعیت برای
کارگران غیرقابل
تحمل است!

میکند، و فقدان رهبری و سازمان انقلابی در مقیاس مورد نیاز موثر بودند. اما برای هر مخالف سیاسی جدی و هر ناظر سیاسی ابژکتیو که جامعه ایران و روندهای سیاسی آن را میشناسد، روشن بود که سرکوب حکومت و پایان اعتراضات خیابانی به معنی رضایت دادن به حکومت نیست. نه حکومتها چنین تبئینی از خود داشتند و نه مردم شکست را پذیرفته بودند. نخواستن حکومت اسلامی یک فاکتور قوی سیاست در

صفحه ۲

اعتراضات ضد حکومتی در ایران ...

ایران است که در فرصتهای مختلف در قالب جنبش برای سرنوشتی بروز اجتماعی یافته است.

تهاجم حکومت به سطح معیشت طبقه کارگر و سیاست حذف سوبسیدها افق اعتراض علیه فقر و عروج دور دیگری از اعتراضات و اعتصابات را گشود. در این فاصله حکومت تنها با ماشین اعدام و سیاست ارباب شدید ناتوانی و نقاط ضعفش را "قدرت" جلوه میداد و بسیار معلوم بود که سیاست فقر و اعدام دوامی ندارد. در اپوزیسیون درباری و طرفدار رژیم، موج سرخوردگی و ندامت مجدداً بالا گرفت. شکافها در این اردو سر باز کردند و نقد به سیاستهای اسلام زده و طرفدار حکومت تشدید شد. حکومت نیز علیرغم سرکوبها و تسویه های درونی چند پاره تر و بحرانش عمیق تر شد.

رویدادهای تونس و مصر و آغاز دوره جدیدی از تحرک انقلابی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، روندهائی را مختومه اعلام کرد. در این کشورها کسی به اپوزیسیون درباری امید نیست، خواهان اجرای بدون تنازل قانون اساسی نشد، کودتای مخملی بعد از انتخابات های قلبی صورت نگرفت، مردم کارگر و زحمتکش راساً علیه سیاست فقر و فلاکت و فساد و دیکتاتوری بمیدان آمدند و از همان ابتدا بر نفی حکومت فقر و اختناق و سمبلهای آن تاکید کردند. پیروزی برق آسا در تونس و مصر به موجی از تحرک انقلابی در کشورهای دیگر دامن زد. الجزایر، یمن، بحرین، لیبی، عراق، اردن، سوریه و ... صحنه اعتراض علیه دیکتاتوریهای سرمایه شد. کشورهای منطقه یکی بعد از دیگری سیاست تعرض به معیشت زحمتکشان را پس

گرفتند، دولتها و وزرا را کنار گذاشتند، وعده فرم دادند، و با عقب نشینی هائی را برای مصون شدن از این موج در دستور گذاشتند. با اینحال دینامیزم ایندوران جدید با این تمهیدات قابل کنترل نبود. اعتراض در این کشورها بدون تردید از روشهای اعتراض نسل جدید در رویدادهای ایران تاثیر پذیرفت و در عین حال

سیاست خارجی دولتهای سرمایه داری را انگشت به دهان کرد و تلاش وسیعی برای کنترل و هدایت این اعتراضات و بعضاً هماهنگی و حمایت مشروط از آن شروع شد. مستقل از اینکه سرنوشت این نبردها به کدام نتایج منجر شود، فی الحال شبح قیام و تحرک انقلابی روی کاخ قدرت دیکتاتورها و ژنرال ها و امام ها و خلیفه های مادام العمر در گشت و گذار است. ایران که سابقه ای از اعتراضات و انقلابات در پیشینه سیاسی خود دارد و در خیابانها و کارخانه هایش قهرمانی ها را ثبت کرده است، نمیتواند نسبت به این اعتراضات بی تفاوت بماند و یا از آنها تاثیر نپذیرد. بویژه رژیم اسلامی ایران



تلاش کرد که اشتباهات و محدودیتهای آن را تکرار نکند. امروز همه فهمیده اند که این موج کشورهای منطقه را درمینوردد، مسئله ای کشوری و "عربی" نیست، بلکه حاصل سرباز کردن تناقضات عمیق سیاسی و اقتصادی سرمایه داری است.

پیروزی اولیه در مصر و سقوط مبارک خط بطلانی بر سیاست اپوزیسیون های درباری زد که در مواقع بحران به "سنگر قانون اساسی" میخزند و از سرگشاد در شیپور "اصلاحات" میدمند. این تحولات بار دیگر فرهنگ انقلابی، نفس حقانیت تلاش انقلابی برای تغییر، و حق مردم به اعتراض علیه حکومتهای مستبد را دیکته کرد. تاثیر این وقایع بحدی عمیق بود که از کاخ سفید تا رسانه های همیشه در خدمت

تنها دولتی است که سیاست حذف سوبسیدها را هنوز پس نگرفته و نمیتواند از شورش نان و اعتراض توده ای علیه فقر و اختناق مصون بماند. دیر یا زود این موج در ابعاد سهمگینی علیه حکومت اسلامی راه می افتد.

ویژگی اعتراضات ۲۵ بهمن

اعتراضات ضد حکومتی در ایران در روزی صورت گرفت که ظاهراً مردم برای حمایت از قیام در مصر و تونس توسط موسوی و کروبی دعوت شده بودند. هشیاری اکثریت بالای معترضین اینبود که دنبال توصیه ها و سیاستهای موسوی و کروبی و شرکای مشارکتی نرفتند، خیل الله و اکبر گوها و یا حسین میرحسین ها بسیار حاشیه ای و ناتوان از جهت دادن به اعتراضات بودند. ترکیبی که بمیدان آمده بود بدست دنبال این ترهات نرفت بلکه مستقیماً راس نظام را هدف قرار داد. معترضین برای تقابل با نیروی سرکوب آماده بودند و در موارد

زیادی اوباش را گوشمالی دادند. شعار محوری و ماندگار اینروز "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" بود. معترضین با این شعار و با قاطعیتی که در پس زدن نیروی سرکوب از خود نشان دادند، نه فقط سرنوشتی طلبی و نفی نظام را قدرتمندتر فریاد زدند بلکه نشان دادند که تنمّه توهمات قانونی سبز بویژه بعد از تحولات منطقه ای دود شده و هوا رفته است.

بخش اعظم مردمی که در تظاهراتهای بعد از انتخابات فرمایشی حکومت اسلامی بمیدان آمدند حکومت اسلامی را نمیخواستند. آنها جان خود را در خیابانها و دانشگاهها بخاطر گرفتن قدرت از احمدی نژادها و خامنه ای ها و سپردنش به موسوی ها و صانعی ها از دست ندادند. نخواستن حکومت همواره یک فاکتور قوی سیاست در ایران بوده و نفس وجود دو خرداد، جنبش سبز، تلاش جناح ها برای ایجاد نوعی رفرم و سازش حکومت با مردم، تشدید جنگ جناح ها و حتی قلع و قمع یکدیگر ریشه در این نخواستن دارد و تلاشی برای مهار آن در چهارچوبهای حکومت اسلامی و مجاری قانونی بوده است. به حکم شکست این استراتژی و بن بست سیاست هر دو جناح، به حکم تجارب خونین مردم طی اعتراضات متوالی، به حکم رویدادهای منطقه ای و جهانی، این سیکل نیز تماماً بسته میشود. اعتراض در ایران ممکن است به هر بهانه ای و تحت هر نامی صورت بگیرد اما شرایط کنونی و مختصات آن جهت حرکت توده ای را بسمت سیاست سرنوشتی انقلابی میبرد.

پیروزی مردم در این دور جدید اعتراضات در گرو قاطعیت انقلابی و عبور از تمام بقایای نظم پوسیده اسلامی است. اگر در تونس و مصر و دیگر کشورها این بقایای فرتوت ناسیونالیسم و حکومتهای متکی بر ارتش و نظامیان و شیوخ نوکر بانک جهانی است

اعتراضات ضد حکومتی در ایران ...

که مورد تهاجم قرار میگیرد، در ایران این اسلام سیاسی است که زیر ضربات انقلابی و سرنگونی طلبانه به پایان خود میرسد. مردم انقلابی در ایران با درهم کوبیدن راس جنبش اسلام سیاسی میتوانند خطر پیشروی و قدرتگیری اسلامیون در کشورهای دیگر را منتفی کنند. مردم انقلابی در کشورهای منطقه با اتکا به سنتهای انقلابی و فاصله از اسلام سیاسی میتوانند شلنگ تخته انداختن خامنه ایها و القاعده ایها در اسلامی خطاب کردن این تحرکات و همبند کردن این موسوی ها و کروبی ها در بازگشت به دوران سیاه امام قاتل را نقش بر آب کنند. دوران بستن پرونده همه این جک و جانورها و حکومتهای فقر و اختناق بسر آمده است. مسئله امروز همه جا سلب قدرت از این باندهای فاسد و رژیمهای پاسدار سرمایه و بردگی است. پیروزی واقعی اما تنها با قدرتگیری کارگران و محرومان و برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری و برپائی ارگانهای اعمال اراده توده ای و خلع پد سیاسی و اقتصادی از کل بورژوازی ممکن است.

امروز مردم هر دودی داشته باشند فریادش را بر فرق حکومت میکوبند. اگر گرانی و بیکاری هست، اگر بربری گران میشود، اگر اختناق و اعدام جاری است، اگر تاکسی و اتوبوس نیست، بغض و فریادی علیه نفس موجودیت حکومت اسلامی بلند میشود و سمل آن یعنی خامنه ای - مبارک و بن علی ایران- را هدف قرار میدهد. در این اوضاع اپوزیسیون درباری کاری از دستش ساخته نیست، بیش از پیش کنترلی بر اوضاع ندارد. به هر درجه که به قانون و نظام و امام قاتلش میچسپد نفرت مردم را تعمیق میکند. متقابلاً سیاست جناح راست و فریاد "اعدام باید گردد" موسوی و کروبی و خاتمی و

محرک معرفی کردن آنان، پوچ است. خامنه ای بیشتر از هر کسی میداند که اینان کاره ای نیستند، خیلی قبلتر نبودند، همان وقت نبودند که عبور در خیابانها از چهارچوبهای سیاست آنها شروع شد و تهاجم به کل نظام اوج گرفت. امروز به طریق اولی هیچکاره اند. دو جناح در تشدید جدال شان برسر بقا هر کدام دیگری را مسبب اوضاع کنونی قلمداد میکنند و مردم بیش از هر زمان دینامیزم حرکت خود را از روندهای پایه ای تر سیاست در ایران و منطقه میگیرند.

بن علی، مبارک، علی عبدالله صالح، حمد ابن عیسی خلیفه، معمر قذافی، بشار اسد، خامنه ای، و طیفی از حکامی که هر کدام خود و فامیل و باندشان چند دهه است بر مردم محروم این کشورها حکومت میکنند، به پایان خط رسیده اند. امروز مسابقه برسر اینکه بعد از بن علی و مبارک "نوبت کیست" همه جا شروع شده است. این دورانی جدید با مختصاتی جدید و قالبهای اعتراض و روشهای انقلابی است.

امروز وظیفه بلافصل هر کارگر کمونیست، هر سوسیالیست و انقلابی، هر آزادیخواه اینست که افق اعتراض ضد سرمایه داری را بر تلاش انقلابی و سرنگونی طلبانه بکوبد و مبارزه برای واژگونی حکومتهای فاسد سرمایه را به نیروی انقلاب کارگری و سوسیالیستی ارتقا دهد.

۱۶ فوریه ۲۰۱۱

۲۷ بهمن ۱۳۸۹

کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰۱۱ (۱۳۸۹)

www.wupiran.org



برای شرکت در کنگره با این ایمیل تماس بگیرید

wup.congress@gmail.com

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون

“خطر” سوسیالیسم، به چه

منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

اعتراض دهها هزار تن در شهرهای مختلف ایران

با فریادهای

"مبارک، بن علی، نوبت سید علی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی آزادی آزادی"، "خامنه ای بدون بزودی سرنگونه"، "جنتی لعنتی تو دشمن ملتی" و ...

طلبانه مردم جایی برای بند و بست جناحهای رقیب رژیم اسلامی باقی نمیگذارد.

یک ویژگی دیگر این اعتراضات روحیه رادیکال و تعرضی جوانان در مقابله با ماموران سرکوب و لباس شخصی های رژیم اسلامی بود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری به جوانان و مردم آزادیخواه درود میفرستد و تاکید میکند که سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی پیش شرط تحقق مطالبات آنها در جهت کسب "آزادی، برابری، و رفاه" است و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی در گرو قرار گرفتن نیروی رادیکال در پیشاپیش جنبش سرنگونی طلب است.

حزب تاکید میکند که برای پیشرویهای آتی باید متشکل شد. باید تشکلات توده ای را چه در محلات و چه در محیط کار شکل داد. شوراهای کارگری و شوراهای مردم زحمتکش مناسبترین این تشکل ها هستند.

حزب در عین حال تاکید میکند که سرنگونی رژیم اسلامی، تصرف قدرت سیاسی و سازمان دادن جامعه ای آزاد و برابر و مرفه در گرو قرار گرفتن رهبری کمونیستی در راس اعتراضات سرنگونی طلبانه توده های جامعه است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۱

جامعه به سرعت در این چهارچوب کانالیزه خواهد شد.

همبستگی مردم و جوانان آزادیخواه ایران با جوانان و مردم تونس و مصر یک ویژگی دیگر این اعتراضات بود. در این تجمعات اعتراضی زهر ناسیونالیسم عملا خنثی شده بود و این هم سرنوشتی و وجوه مشترک اعتراضات مردم منطقه بود که در فضای اعتراضی جامعه در حرکت بود.



این اعتراضات بر خلاف ادعاهای اصلاح طلبان مرتجع حکومتی نشان قدرت این جریانات نبود. مردم همانطور که بارها نشان داده اند از شکاف و کشمکش جناحهای رژیم اسلامی برای تعمیق این شکافها و سوق دادن کل رژیم اسلامی به سراشیبی سقوط استفاده میکنند. مردم نشان دادند که اجازه نمیدهند اعتراضاتشان زمینه "چانه زنی در بالا" با جناح حاکم رژیم اسلامی فراهم کند. شعارهای سرنگونی

مرتجع اصلاح طلب حکومتی کوشیدند از شعارهای ضد حکومتی و باصطلاح "ساختار شکنانه" ممانعت بعمل آورند، اما شعارهای مردم عمدتاً راس رژیم اسلامی را نشانه گرفته بود. مردم عملاً به تلاش های مذبحخانه این جریان ارتجاعی واقعی نگذاشتند.

اعتراض دهها هزار نفری مردم در شهرهای مختلف تاکید

دوشنبه ۲۵ بهمن جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلب اعتراضات گسترده ای در شهرهای مختلف علیه رژیم اسلامی سازمان دادند. تهران مرکز این اعتراضات بود، اما اعتراضات محدود به تهران نبود. از اوایل عصر مردم از گوشه و کنار تلاش کردند خود را به مراکز اعلام شده تجمع برسانند. این تلاش با اقدامات سرکوبگرانه نیروهای انتظامی و اوپاش "لباس شخصی" رژیم مواجه شد. ماموران رژیم خیابانها را مسدود کرده و مانع تجمع مردم میشدند. علیرغم این تلاشهای مذبحخانه بسیاری از مراکز اعلام شده به مکان تجمع اعتراضی و درگیری با نیروهای رژیم اسلامی تبدیل شد. این اعتراضات در ادامه به سایر بخشهای شهر و محلات کشیده شد و تا پاسی از شب ادامه داشت.

شعارهای جدید این اعتراضات منعکس کننده موج اعتراضاتی بود که در اولین امواج خود دیکتاتوری سرمایه بن علی در تونس و دیکتاتوری حسنی مبارک در مصر را بزیر کشید. "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" شعار محوری این تظاهرات بود. در بسیاری از این درگیری ها جوانان با پاره کردن عکسهای خامنه ای و آتش زدن آن به مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم پرداختند و برخی ماموران رژیم اسلامی را گوشمالی دادند.

این اعتراضات بر خلاف انتظار و تلاش اصلاح طلبان مرتجع حکومتی تلاشی برای اصلاح رژیم اسلامی و یا اجرای "تمام و کمال قانون اساسی" رژیم آدمکشان اسلامی نبود. اگر چه در برخی از تجمعات نیروهای

لیبی هم به لرزه درآمد

2011 سال فراموش نشدنی!

آذر ماجدی



سرکوب کوشیده اند که مردم را عقب بنشانند. اما ظاهراً جنبش اعتراضی کماکان ادامه دارد.

دوران تغییرات اساسی در منطقه رسیده است. زلزله اجتماعی و سیاسی منطقه ای را که همواره در دهه های اخیر کانون آشوب، جنگ، تروریسم، نابسامانی و فقر گسترده بوده است، تکان داده است. مردم دیگر نمی پذیرند که تحت سرکوب، اختناق، فقر و تبعیض و نظام های بعضاً برده وار زندگی کنند. امیال آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را به حرکت درآورده است. موج همبستگی مردم منطقه را بیکدیگر پیوند داده است. با اشتیاق و هیجان تحرکات و جنبش های یکدیگر را دنبال می کنند و از یکدیگر می آموزند. انسان های "عادی"، زحمتکش، "هیچ بودگان" به صحنه آمده اند و با غرور و شجاعت زائدالوصفی حق خود را طلب می کنند. قدرت توده ای منطقه را به لرزه درآورده است. اعتماد به نفس برسیما و در نگاه های انسان های عادی موج می زند.

احساس هیجان و افتخار بخاطر سهم بودن در این تاریخ دورانساز در انسان بیدار می شود. اما یک سوال بزرگ بر اذهان همگان سنگینی می کند: آینده چه رقم خواهد زد؟ پاسخ این سوال بسیار بستگی به عمل کنونی این توده های بپا خاسته دارد. آکتورهای در صحنه می کوشند که نقش اول را بخود اختصاص دهند. "درباریان" نظام، کسانی که هم اکنون نظم را در تونس و مصر بدست گرفته اند و مشابهین شان در کشورهای دیگری که راس شان مورد حمله قرار گرفته است. این از نظر بورژوازی کم خطرترین آلترناتیو است. راس قدرت را کنار می گذارند و همه چیز را دست نخورده حفظ می کنند. ارتش همان ارتش؛ زندان ها سر جای خود؛ سیستم استثمار سرمایه داری پابرجا. با کمترین تغییر و سازش توهم یک "انقلاب پیروز" را به توده ها القاء می کنند. و دگر بار آس همان آس و کاسه همان کاسه.

اسلامیست ها بعنوان یک آلترناتیو

مصر با درآمدی حدود دو دلار در روز زندگی می کنند، در حالیکه رسانه ها از ثروت نزدیک به 50 میلیارد دلار حسنی مبارک خبر می دهند. پس از هجده روز زمانی که کارگران به میدان آمدند و خیر اعتصابات سراسری کارگری در دنیا مخابره شد، تحت فشار ارتش و آمریکا، حسنی مبارک استعفا داد. حسنی مبارک رفت تا ارتش بکوشد نظام را حفظ کند.

موج اعتراضی سریعاً به یمن، اردن، الجزایر و بحرین رسید. روز بعد از روز اخبار اعتراضات در این کشورها در راس اخبار بین المللی قرار گرفته است. سرکوب معترضین، گسیل هزاران پلیس و نیروی سرکوب به خیابان ها موفق به عقب راندن مردم نشده است. در الجزایر و یمن مردم صریحاً و علناً خواهان سقوط رئیس جمهور هستند و در بحرین مردم خواهان آزادی و رفاه و مبارزه با فساد دولتی. فعلاً از سلطنت مشروطه صحبت می شود.

جالب اینجاست که بلافاصله پس از خیزش تونس دولت های منطقه سوبسید های لغو شده را ابقاء کردند، کابینه ها تعویض شد و اقدامات آرایشی دیگری برای ممانعت از شکل گیری خیزش توده ای در کشور در دستور گذاشته شد. اما این اقدامات مذبوحانه تأثیری در عزم مردم برای تغییر، برای دستیابی به آزادی، برابری و رفاه نداشته است. بالاخره امروز خبر رسید که موج اعتراضات به لیبی رسیده است. هزاران نفر در شهر بن قاضی، دومین شهر لیبی به خیابان ها آمده اند. نیروهای

کشور بعد از کشور بخروش می آید. موج آزادیخواهی و برابری طلبی، جوامع منکوب شده تحت دیکتاتوری های خشن سرمایه را به تحرک درآورده است. سال 2011 در تاریخ بعنوان سال "انقلاب ها" به ثبت خواهد رسید. تاکنون سابقه نداشته است که موج اعتراضی برای سرنگونی نظام حاکم این چنین سریع از یک کشور به کشوری دیگر سرایت کند. جوانان، کارگران و زحمتکشان در آفریقای شمالی و خاورمیانه به خیابان ها ریخته اند و طالب آزادی، عدالت و رفاه هستند. جنبش های اعتراضی توده ای علیه نظام های سرکوبگری که خفقان، استثمار شدید، فقر و فلاکت، تبعیض و فساد گسترده ای را به مردم منطقه تحمیل کرده اند، بحرکت درآمده اند. دیکتاتوری های سی - چهل ساله بمصاف طلبیده شده اند. دوران هیجان انگیزی است، تاریخساز است.

خیزش توده ای در تونس که به سرنگونی رئیس حکومت منجر شد و همچنان برای تغییرات عمیق تر ادامه دارد، در اواخر دسامبر آغاز شد. سرنگونی زین العابدین بن علی، رئیس جمهور جنایتکار تونس، مردم را در الجزایر، اردن و مصر به خیابان ها کشید. جنبش سرنگونی طلب در مصر اوج گرفت و کشور را به حالت فلج کشاند.

حسنی مبارک که بمدت سی سال یک دیکتاتوری نظامی و خشن را بر مصر تحمیل کرده بود، مصرانه اعلام می کرد که پست ریاست جمهوری را ترک نخواهد کرد. (هر چند که پسرش، که قرار بود جانشین او شود، با نزدیک 100 چمدان و مقدار زیادی پول دو سه روز پس از تحصن مردم در میدان تحریر کشور را ترک کرد.) بیش از 40 درصد مردم

ضعیف تر در صحنه بازی می کنند. بورژوازی متمایل به غرب و دول غربی خطر اسلامیست ها را بزرگ می کنند تا نظم سرکوب و استثمار کنونی را حفظ کنند. خطر اسلامیست ها آنچنان که این جریان یا دولت اسرائیل میخواهد جلوه دهد، نیست. اما خوش خیالی هم اشتباه است. در صورتی که نیروی رادیکال، سوسیالیسم، کمونیسم و طبقه کارگر با خواست های رادیکالشان به میدان بیاید، همین دول غربی به این نیروی کپک زده متوسل خواهد شد. ایران 1357 یک نمونه فراموش نشدنی تاریخی است. دول غربی خمینی و اسلامی ها را از گوشه به وسط میدان آوردند و این نیروی کپک زده را به رهبر انقلاب بدل کردند. این عمل، باوجود اینکه عواقب ناگوار آنرا تجربه کرده اند، میتواند بار دیگر انجام گیرد. باید کاملاً هشیار و آماده بود.

پاسخ واقعی به خواست ها و امیال مردم، آزادی، برابری و رفاه همگانی، در سرنگونی سرمایه داری و برپایی یک جمهوری سوسیالیستی است. به این منظور طبقه کارگر باید آماده و متشکل به میدان بیاید. کمونیسم کارگری باید متشکل شود و رهبری یک انقلاب کارگری را بدست گیرد. این بنظر غیرمحمتمل ترین آلترناتیو در این شرایط می رسد. اما باید برای آن آماده شد. باید از این دوران تاریخساز، دوران تغییر و بی ثباتی برای متشکل شدن و سازمان دادن استفاده کرد.

دو مساله اساسی کماکان در تغییرات

لیبی هم به لرزه درآمد

۲۰۱۱ سال فراموش نشدنی! ...

منطقه نقش تعیین کننده بازی می کند: حل مساله فلسطین، تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق؛ سرنگونی رژیم اسلامی در ایران. شرایط هیچگاه این چنین برای این تحولات آماده نبوده است. از یک سو موج اعتراضی به فلسطین نیز کشیده شده است. خانه تکانی حکومتی در فلسطین نیز آغاز شده است.

جمهوری اسلامی هم که طی دو سال اخیر با یک موج عظیم و توده ای سرنگونی طلبی روبرو شده است، در روز ۲۵ بهمن با یک اعتراض وسیع و رادیکال در شهرهای مختلف مواجه گردید. خواست سرنگونی خامنه ای، بویژه با لینک آن به تونس و مصر بسیار هیجان انگیز بود. آتش زدن عکس های خامنه ای، شعارهای "خامنه ای بدانه، بزودی سرنگونه!" "بن علی، مبارک، نوبت سید علی است!" و "مرگ بر خامنه ای" در گوشه و کنار کشور طنین انداز شد. حاکمیت شعارهای صریحا ضد رژیم، آتش زدن عکس های خامنه ای و خمینی، درگیری با نیروهای سرکوب و گوشمالی دادن آنها توسط مردم، همه از عزم راسخ مردم برای سرنگونی رژیم سخن می گوید. طرد شعارهای جناح اصلاح طلب حکومتی و مخالفین "ساختار شکنی" یکی از وجوه برجسته این حرکت اعتراضی بود.

می توان گفت که جنبش سرنگونی ۱۶ فوریه ۲۰۱۱

طلب وارد یک فاز جدید شد. مساله اینجاست که رژیم اسلامی قدرت مانور حاکمیت مصر و تونس را ندارد. نمی تواند خامنه ای را کنار بگذارد و کماکان به حیات خود ادامه دهد. باید تا آخرین قطره خون در مقابل موج اعتراض مردم مقاومت کند. هر نوع سازشی با مردم به جان آمده معترض قومی در جهت سرنگونیش خواهد بود. این رژیم قابلیت هیچگونه اصلاح یا عقب نشینی را ندارد. از این رو است که بنظر جان سخت تر می رسد. اگر بورژوازی مصر و تونس قابلیت مانور دارد، می تواند مهره هایی را کنار بگذارد، اصلاحاتی را موقتا انجام دهد تا مردم را به خانه ها باز گرداند؛ رژیم اسلامی فاقد چنین قابلیتی است. هر سرکوبی برای رژیم حکم جنگ آخرش را دارد. اما مردم دارند به جنگ آخرشان با این رژیم جنایتکار نزدیکتر می شوند. روزهای حیات این نظام کتیف در حال شمارش است.

"زنده باد آزادی، برابری و رفاه همگانی" در گوشه و کنار خاورمیانه و آفریقای شمالی طنین انداز شده است. با امید به تامین و تضمین این خواست بر حق توده های مردم برای سازماندهی انقلاب کارگری بکوشیم.

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

زنده باد شوراها

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱ - بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲ - یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانهای ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳ - شورا کارترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴ - طبقه کارگر باید با سرعت شوراها را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵ - شوراها محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

زنده باد

آزادی، برابری، رفاه!



جدی در برابر طرح شعارهای "ساختار شکنانه"، شعارهای مبنی بر سرنگونی رژیم اسلامی، در صفوف مردم معترض ایجاد کنند.

واقعیت این است که مردم شاید از سوت این جریان، زمانیکه فراخوان اعتراض میدهد، استقبال کنند اما با سوت آنها اعتراضات خود را متوقف نخواهند کرد. بعلاوه اعتراضات مردم، جوهر خواسته‌هایشان، سرنگونی طلبی شان اجازه تحریف و کنترل چندانی به جریان‌ات اصلاح طلب حکومتی نمیدهد.

آیا با دینامیسم جدیدی در ایران و خاورمیانه مواجه هستیم؟ به اعتباری آری. این دینامیسم را شاید بتوان دوران بیداری و خیزش توده‌ای در این جوامع دانست. دوران رقم زدن سرنوشت جوامع توسط توده‌های مردم کارگر و زحمتکش و مشخصاً نسل جوان. حضور نسل جوان در این اعتراضات برجسته و چشمگیر است. گویی نسل جوان به جنگ گذشته و عقب ماندگی و تاجر و استبداد و فلاکت آمده است. شیوه‌های این مبارزه، ابزارهای سازماندهی اجتماعی، کاربرد مبتکرانه تکنولوژی تبادل اطلاعاتی و ... همگی مهر نسل جوان را در این اعتراضات بر خود دارد.

یک دنیای بهتر: اعتراض ۲۵ بهمن با فراخوان اصلاح طلبان حکومتی صورت پذیرفت. اصلاح طلبان حکومتی این اعتراضات را "نقطه قوت" خود میدانند. چقدر

صفحه ۸

گفتگو با علی جوادی

پیرامون دور جدید اعتراضات توده‌ای در ایران

جامعه تجدید قوا کرده است. از تجربیات دور گذشته اعتراضات خود آموخته است. و بار دیگر در میدان نبرد حضور یافته است.

یک دنیای بهتر: تفاوت و تشابه این اعتراض در گام اول خود با اعتراضات سال ۸۸ کدام است؟ آیا با دینامیسم جدیدی در ایران و در سطح منطقه روبرو هستیم؟

علی جوادی: اعتراضاتی که در ۲۵ بهمن صورت گرفت را باید در امتداد خیزش توده‌های مردم در سال ۸۸ و دور دیگری از برآمد سیاسی جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی بحساب آورد. این اعتراضات اخیر در گام اول خود نشان داد که در لبه تجربیات مبارزات مردم در دوره‌های گذشته قرار دارد. از گذشته خود آموخته است. به دنبال برکناری دولت احمدی نژاد نیست. از احمدی نژاد و دولتش شروع نکرده است تا به خامنه‌ای و کل رژیم اسلامی برسد. راس رژیم اسلامی را از ابتدا زیر ضرب گرفته است. شعارهای "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" شعارهای محوری این اعتراضات بود.

از طرف دیگر در این اعتراضات ما شاهد حضور غالب و گسترده شعارهای جریان‌ات اصلاح طلب حکومتی و یا اعمال قدرت آنها در کنترل اعتراضات جوانان و مردم بیخوابسته نبودیم. اثری از شعار "رای من کو" در این اعتراضات نبود. اگر چه برخی شعارهای مذهبی مانند "الله اکبر" و یا شعار "یا حسین - میرحسین" در این اعتراضات کماکان شنیده میشود، اما بهیچوجه جنبه غالب نداشت و مورد استقبال چندانی هم قرار نمیگرفت. بعلاوه این جریان نتوانستند مانعی

باید در این چهارچوب و راستا قرار داد.

از طرف دیگر خیزش توده‌های مردم در تونس و مصر و سایر جوامع عرب زبان تأثیرات بسزایی بر ارتقاء روحیه مبارزاتی توده‌های مردم در ایران داشته است. نفس اینکه مردم بپاخواسته در اولین موج اعتراضی خود توانستند دیکتاتوری زین العابدین بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر را سرنگون کنند، یک تحول و دستاورد بزرگ اجتماعی و سیاسی است. شور و شغفی که اردوی بشریت مترقی را در پس سرنگونی حسنی مبارک در بر گرفت در مرزهای جغرافیای ایران متوقف نشد. این اعتراضات باور و قدرت خود را افزایش داده است. نفس اینکه میتوان با قدرت اعتراض توده‌ای عظیم‌ترین دیکتاتوری‌های سرمایه را در هم شکست نقطه قدرت مهمی در دوران کنونی و روحیه مبارزاتی جامعه است.

ما همواره تاکید کرده ایم که مردم در کمین رژیم اسلامی نشسته اند. مترصد فرصت اند تا ضربات سنگینی به آن وارد کنند، سرنگونش کنند. میشد پیش بینی کرد که اجرای طرح حذف سوبسیدهای دولتی چاشنی یک انفجار اجتماعی دیگر در جامعه باشد. پس از گذشت دوران شوک اولیه ناشی از اجرای این طرح فوق ارتجاعی و به دنبال اعتراضات مردم در تونس و مصر ما شاهد شکل‌گیری این اعتراضات در ۲۵ بهمن بودیم.

بنظر میرسد که نسل جوان

یک دنیای بهتر: دهها هزار تن از توده‌های مردم در تهران، شیراز، اصفهان، رشت، مشهد، کرمانشاه و برخی دیگر از شهرهای ایران بار دیگر در اعتراض به رژیم اسلامی به میدان آمدند. آیا دور دیگری از خیزش توده‌های مردم آغاز شده است؟

علی جوادی: شواهد حاکی از آن است که دور جدیدی از اعتراضات و خیزش توده‌های مردم علیه رژیم اسلامی آغاز شده است. در بیان این ارزیابی البته باید کمی محتاط بود. از یک طرف به این اعتبار که اعتراضات سال ۸۸ که در پس مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی صورت گرفت هرگز در هم شکسته نشد. سرکوب شد، اما حالت انفجاری در جامعه از بین نرفت. از سوی دیگر تحولات آتی میتواند سیر بطنی تر و یا منقطع تری بخود بگیرد که شاید نتوان از این اعتراضات به عنوان دور جدیدی از خیزش توده‌های مردم نام برد.

چه عواملی را میتوان موجب آغاز دور جدید اعتراضات نامید؟ در پاسخ به دو عامل باید اشاره کرد. دلایل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خاص جامعه ایران از یک سو و همچنین اوضاع سیاسی منطقه و تغییر توازن قوای سیاسی از سوی دیگر. جامعه ایران مدتی است که درگیر یکی از سهمگین‌ترین تلاشها برای سرنگونی رژیم اسلامی و دستیابی به آزادی و برابری و رفاه است. این جنبش قدمتی دیرینه دارد. سرآغازش به دوران شش روزه‌ای در تیرماه ۷۸ برمیکردد که مردم در تهران فریادهای سرنگونی رژیم اسلامی را سر دادند. خیزش مردم در سال ۸۸ برآمد دیگر این جنبش در ابعاد میلیونی بود. اعتراضات توده‌های مردم در ۲۵ بهمن را

گفتگو با علی جوادی

پیرامون دور جدید اعتراضات توده ای در ایران ...

ما اعمال فشار بر دول غربی در عدم حمایت از حکومت و جریانات اسلامی است. اما باید توجه داشت که حمایت آمریکا از جریان اصلاح طلب حکومتی عملاً حمایت از بخشی، بخش مغلوب، رژیم اسلامی است و به این اعتبار نباید این تصور را داشت که سیاست سازش و معامله با جریانات اسلامی را تماماً به کناری گذاشته اند. غرب مشکل چندانی با نفس وجود جریانات اسلامی ندارد مشروط بر اینکه این جریانات در طیف حامیان سیاستهای غرب قرار داشته باشند.

تا آنجا که به ما بر میگردد سیاست ما روشن است. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و برای آزادی و برابری و رفاه همگان مبارزه میکنیم. ما هیچگونه همسویی با سیاست غرب و اردوی تروریسم دولتی نداریم. تردیدی نیست که آینده آزاد و برابر و انسانی را نمیتوان با همسویی با غرب و تلاشهای بدست آورد. ما مردم را به اردوی خودمان، اردوی رهایی انسان از اسارت اقتصادی و سیاسی سرمایه فرا میخوانیم.

یک دنیای بهتر: روز سه شنبه مجلس اوباش اسلامی شاهد فریادهای مرگ بر موسوی، کربوبی و خامنه ای و تقاضای حکم اعدام برای این سران جناح اصلاح طلب حکومتی بود. چه ارزیابی ای از روند تشدید این تخاصمات دارید؟ تاثیر این جدالها بر اوضاع سیاسی حاضر کدام خواهد بود؟

علی جوادی: جناح راست انتظار چنین اعتراضی را در ۲۵ بهمن نداشت، هر چند که از پیش تدارک دیده بودند و از این رو دستجات اوباش لباس شخصی و نیروی سرکوب خود را تماماً وارد میدان کردند. جناح راست میدانند که هر اعتراضی میتواند نبرد آخر باشد. نتیجتاً برای هر نبردی با تمام قوا وارد میدان میشود. این

داده شده اش حکومت مطلوب و مورد نظر غرب نیست. از نقطه نظر غرب باید جای خود را به حکومتی با مختصات سایر حکومتهای پرو غربی در جوامع مشابه بدهد. مساله اما بر سر چگونگی این تغییر و تحول و جایگاه جدال این دو قطب در مناسبات بین المللی کنونی است. استراتژیستهای غرب میدانند که هر تحول انقلابی قدرت عمل و مانور این نیرو را در تاثیر گذاری بر تحولات سیاسی جامعه مورد نظر محدود میکند. از این رو تلاش میکنند که تحولات از بالا و توسط نیروهایی صورت پذیرد که امکان دخالتگری را برایشان فراهم میکند. حمایت این جریانات از جناح اصلاح طلب حکومتی و قرار دادن اعتراضات مردم در چهارچوب "جنبش سبز" از جانب بلندگوهای خبری این اردوگاه گوشه ای از این پروژه سیاسی است.

اگر امروز شاهد این هستیم که کاخ سفید و دولت آمریکا در "حمایت" از اعتراضات مردم موضعگیری میکند، نشان دهنده تغییر و تحولاتی است که در جامعه جاری است. نشان دهنده این واقعیت است که هر درجه بند و بست با رژیم اسلامی جریان مزبور را منفور و تا حدودی در سرنوشت سیاه رژیم اسلامی شریک میکند. استراتژیستهای دولت آمریکا میدانند که رژیم اسلامی رفتنی است. مساله بر سر زمان و چگونگی این تغییر و تحول و نه نفس آن است. از این رو بیشتر از گذشته شاهد چنین "موضعگیری های" خواهیم بود.

پرسیده اید که پی آمدهای این سیاست کدام است؟ مساله این است که هر درجه ایزوله شدن و عدم سازش و بند و بست با رژیم اسلامی تصویر ضعیف تر و ایزوله تری از رژیم در جامعه بدست میدهد. از این رو یک جنبه سیاست

جناح راست سیاست حذف جناح اصلاح طلب را در دستور خود قرار داد. و به این اعتبار عملاً نقطه سازش میان جناحها را از معادله جدال جناحها حذف کرد. این واقعیت جناح اصلاح طلب را در موقعیت سختی قرار داده است. بر خلاف جناح راست این جناح برای پیشبرد سیاست خود نیازمند جناح راست است. نفس اصلاح طلبی به معنای وجود هیولایی است که از قرار باید اصلاح شود. و اگر هیولای مزبور نخواهد "اصلاح شود" دیگر پرونده تلاشهای جناح مقابل از پیش بسته شده است. این موقعیت در مانده جناح اصلاح طلب حکومتی است. در دوره کنونی این جریانات ناچار به "مقاومت" اند. اما سهمی از اعتراضات مردم نخواهند برد، کنترلی هم بر این اعتراضات نخواهند داشت.

یک دنیای بهتر: واکنش دولت آمریکا در قبال این اعتراضات مردم در ایران تفاوتی چشمگیری با دور قبل و مشخصاً دو سال پیش دارد که به رهبری رژیم اوباش اسلامی پیام دادند. عوامل این تغییر سیاست را چه می بینید؟ پی آمدهای این تأثیرات کدام است؟

علی جوادی: سیاست عمومی و استراتژیک آمریکا در قبال رژیم اسلامی را علی العموم باید از مانورهای دیپلماتیک این دولت مجزا کرد. بند و بست و سازش مقطعی نیز بخشی از معادله مناسبات دو قطب تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی در سطح جهان است. اساس این مناسبات بر تخاصم دو قطب استوار است. رژیم اسلامی با مختصات و ویژگی های سیاسی و اجتماعی

این تبیین به واقعیت نزدیک است؟ موقعیت و نقش این جریانات را در این دور اعتراضات چگونه ارزیابی می کنید؟

علی جوادی: خود فریبی را نمیتوان "نقطه قوت" نامید. تبلیغات اصلاح طلبان مرتجع حکومتی نمیتوانست مضمون دیگری داشته باشد. یا باید به لحاظ سیاسی بمیرند یا باید واقعیت را بر مبنای اوهم خود تبیین کنند. چاره دیگری ندارند. اعتراضات ۲۵ بهمن نقطه قوت این جریان حکومتی نبود. شاید نشان ناچاری و استیصال این جریان بود. ناچاری، چرا که در موقعیت کنونی که بین دو لبه مرگ و نابودی تدریجی قرار گرفته اند. چاره ای جز "مقاومت" در مقابل تعرض جناح حاکم ندارند. "مقاومتی" که بنا به مختصات این جناح همواره زیوانه و استیصال آمیز است. این جریان اگر دست به مقاومتی در مقابل جناح حاکم نزنند تماماً نابود و از صحنه سیاست جامعه حذف خواهد شد. و اگر به هر درجه ای مقاومت کند، با استراتژی شکست خورده اصلاح حکومت اسلامی، سرنوشتی جز شکست نخواهد داشت. بعلاوه چیزی از محصول این "اعتراضات" نصیبشان نخواهد شد. نه جناح راست سهمی از قدرت سیاسی به این جریان خواهد داد و نه مردم برای اصلاح حکومت اسلامی به میدان آمده اند.

جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم و خیزشهای توده ای کلا مناسبات درونی جناحهای رژیم اسلامی را تغییر داده است. اگر تا پیش از این تحولات جناحهای رژیم اسلامی بر سر سهم خود از قدرت سیاسی میجنگیدند، پس از شدت گیری جنبش سرنگون طلبی مردم مناسبات جناحهای رژیم مضمون دیگری بخود گرفت و

گفتگو با علی جوادی پیرامون دور جدید اعتراضات توده ای در ایران...

تسلیمیت

منصور فرزاد درگذشت!



امروز یکشنبه ۱۳ ماه فوریه، رفیق منصور فرزاد به دلیل سکت قلبی در شهر گوتنبرگ سوئد درگذشت!

منصور فرزاد از کمونیستهای قدیمی، از فعالین کمونیست شهر سنندج و عضو رهبری حزب کمونیست کارگری بود. منصور فرزاد زندگی اش را وقف مبارزه کمونیستی کرد. افسوس که بسیار زود دنیا را ترک کرد.

درگذشت منصور فرزاد را به همسرش رفیق سوسن صابری، فرزندانش، به رفیق ایرج فرزاد و اعضای خانواده اش، به رفقاییش در حزب کمونیست کارگری، و به همسنگراناش طی بیش از سه دهه مبارزه علیه ارتجاع و سرمایه داری صمیمانه تسلیم می‌کنیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۳ فوریه ۲۰۱۰ - ۲۴ بهمن ۱۳۸۹

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



در خارج کشور اعلام کرد که رژیم اسلامی اصلاح پذیر نیست، باید سرنگونش کرد، انقلاب تنها راه تحقق این هدف است. چه ارزیابی از این حرکت بخشی از اصلاح طلبان دارید؟

علی جوادی: واقعا دیدنی

است. این جریانات بارومتر وقاحت و بی شرمی در جامعه اند. تغییراتشان نشان مسجل شدن سقوط رژیم اسلامی و تلاش مردم در این راستا است. این الوقتهائی هستند که میکوشند از غافله عقب نمانند. البته کمتر کسی است که از سابقه محسن مخملباف در دوره اول حاکمیت رژیم اسلامی بی خبر باشد. ایشان کسی است که بخاطر همکاری در سیستم سرکوب رژیم اسلامی باید مورد محاکمه قرار بگیرد. اما اینکه امروز اعلام میکنند رژیم اسلامی دیگر اصلاح شدنی نیست نشان درماندگی پروژه اصلاح طلبان حکومتی است. باید توجه داشت که جامعه دارالمجانین نیست که به چنین جریاناتی مجال مانورهای این چنینی بدهد. این جریانات عمری را در کنار رژیم اسلامی سپری کرده اند. زانده رژیم اسلامی اند. تلاششان برای جدا کردن حساب خود از حساب اصلاح طلبان وفادار به رژیم اسلامی بخشی از شکست کل این پروژه است.

از این پس ما شاهد شکافهای بیشتری در صفوف این جریانات خواهیم بود. پروسه سرنگونی رژیم اسلامی وارد مراحل حساس و شیرینی شده است. *

واقعیات از مختصات دوران احتضار و پایانی رژیم اسلامی است.

جدال جناحهای رژیم با توجه به هر شاخصی تشدید شده است. اگر مجلس اوباش اسلامی به صحن فریادهای "اعدام باید گردد" تبدیل میشود، این واقعیت نشان آن است که رژیم تعادلش را از دست داده است. قادر نیستند روال "طبیعی" جدال جناحی خود را طی کنند. شیرازه امورشان در حال از هم پاشیدگی است. اما مساله بر سر تلاش این اوباش اسلامی است. دارند فشار میگذارند که خامنه ای و رهبری حکومت اسلامی تن به دستگیری و محاکمه سران جناح اصلاح طلب دهد. اما باند خامنه ای تاکنون تسلیم این فشار نشده است. ضرر چنین اقدامی را بیشتر از منفعت آن میدانند. بر این تصورند که چنین تعرضی میتواند بمثابة یک چاشنی اعتراضی در جامعه عمل کند که کنترل آن برایشان شاید امکان پذیر نباشد.

از طرف دیگر چنین اقدامی اگر منجر به فراخوانی از سوی نیروهای این جناح باشد، میتواند رژیم را در مسیری قرار دهد که میتواند سراسیمگی مرگ باشد. باند خامنه ای تاکنون در این زمینه محتاط عمل کرده و خواهد کرد. شاید همان سیاستی را در دستور قرار دهند که در قبال منتظری اتخاذ کردند، حصر خانگی. در هر صورت هر درجه تشدید تخصصات در بالا در عین حال به معنای چراغ سبزی در پایین برای تعرض به کل رژیم محسوب خواهد شد.

یک دنیای بهتر: در برنامه تلویزیونی که شما در کانال یک حضور داشتید، محسن مخملباف از چهره های اصلاح طلبان سبز

بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران

این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!

به گزارش سایت سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، متن این اطلاعیه که به امضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه رسیده، به شرح زیر است:

افزایش حداقل دستمزدها باید متناسب با تورم و تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی باشد.

حداقل دستمزدی که در طول سالهای گذشته و بدون حضور نماینده های واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم.

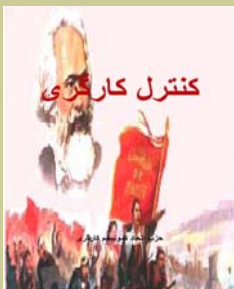
قرار بوده است افزایش هر ساله حداقل دستمزد کارگران متناسب با تورم و سبب هزینه یک خانوار چهار نفره باشد. اما آیا در طول سالهای گذشته چنین چیزی در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شده است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان اقتصادی در سال گذشته خط فقر نزدیک به یک میلیون تومان بوده است اما حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند که با احتساب سایر موارد قانونی مربوط به دستمزدهای کارگران حداکثر دریافتی اکثریت عظیم آنان به ۵۰۰ هزار تومان نیز نمیرسد. آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر یک میلیون تومانی جز این است که صراحتاً ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده اند؟ آیا چنین وضعیتی برای تعیین کنندگان حداقل دستمزد و خانواده های آنان قابل تحمل است که برای ما کارگران نیز قابل تحمل باشد. آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمتها کفاف تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره را میدهد؟

از نظر ما اگر قرار شده است قیمت اکثر کالاهای اساسی زندگی چندین برابر بشود ما کارگران نیز حق داریم دستمزدهای خود را به چندین برابر افزایش دهیم. آیا به جز این است که نیروی کار ما کارگران تنها کالایی است که ما از طریق فروش آن به صاحبان سرمایه امرار معاش میکنیم؟ آنوقت چرا باید وقتی نوبت تعیین قیمت نیروی کار ما کارگران فرا میرسد ما باید نظاره گر باشیم و عده ای در شورای عالی کار بدون حضور نماینده های واقعی ما، قیمت نیروی کار ما را تعیین بکنند و یک زندگی زیر خط فقر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل نمایند.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،

بهمن ۱۳۸۹



کتاب کنترل کارگری

را از سایت حزب دریافت و توزیع کنید!

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در باره

"منشور آزادی، برابری و رفاه"

مصوب دفتر سیاسی حزب

آزادی

۱ - جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی است. ما باید تضمین کنیم که مبارزه برای بزرگترین رژیم نکیبت بار اسلامی هر چه گسترده تر، هدفمند تر، قدرتمند تر به پیش رود و هر چه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. سرنگونی رژیم اسلامی گام اول در تحقق هرگونه بهبودی در زندگی مادی و معنوی مردم و کسب بدیهی ترین حقوق و آزادیهای فردی و مدنی در زندگی میلیونها توده مردم است.

۲ - تحولات امروز فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. از هم اکنون کوشش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی و تأسیس حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. انتخابی بزرگ دارد صورت میگیرد. آینده میتواند شاهد پیروزی ما و برپایی جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی باشد، جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرو دست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، و بدون تبعیض.

۳ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تحولات جاری برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حکومت کارگری با به اجرا گذاشتن کلیت برنامه

۴ - "شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری" شعار استراتژیک حزب ما در تحولات جاری است. در عین حال شعار "آزادی، برابری و رفاه" شعار تاکتیکی حزب و چهارچوب عمومی و فشرده مطالبات مردم در مبارزه علیه بی حقوقی و استبداد و نابرابری و فقر و فلاکت و حکومت مذهبی و حلقه اتصالی میان مطالبات امروز و خواستهای استراتژیک ما است.

۵ - تحقق مطالبات "آزادی، برابری، رفاه" مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار نظامی متضمن این خواستها در جامع ترین شکل خود است. جمهوری سوسیالیستی

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

منشور

آزادی، برابری و رفاه

۶ - برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷ - برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

رفاه

۸ - حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹ - بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰ - طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۳۰ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

برابری

۱ - سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲ - آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳ - آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴ - آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵ - محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!